

بیوگرافی پنجاه و دوم

رہبران مشروطہ

دورہ سوم - بیوگرافی دہم

علی گھڑیل

تحقیق و تالیف

از :

ابراہیم صفائی

چاپ شرق

جزوۀ یازدهم دورۀ سوم
بیوگرافی عبدالحسین - هژیر خواهد بود

خیابان روزولت - کوچه شیمی - شماره ۲۰

۲۵ ریال

جای پخش :

کتابفروشی سخن - خیابان نادری

بیوگرافی پنجاه و دوم

رہبران مشروطہ

دورہ سوم - بیوگرافی دہم

علی گھمیلی

تحقیق و تالیف

از :

ابراہیم صفائی

چاپ شرق



علی سہیلی

علی سهیلی فرزند میرزا غلامعلی تبریزی است . میرزا غلامعلی در صف خدمه مظفرالدین شاه از تبریز به طهران آمد و از خدمتگذاران دربار مظفری بود و به « میرزا غلامعلی گوش بریده » شهرت داشت ، زیرا در جوانی در نزاعی که بین او و دو سرباز از فوج قراجه داغ در تبریز روی داده بود نصف گوش راستش را بریده بودند .

علی سهیلی (۱) در اوائل سال ۱۳۱۳ ق (۱۲۷۴ ش) در تبریز متولد شد و چند ماهه بود که پدرش همراه موکب مظفرالدین شاه به طهران آمد و او را هم به طهران آورد ، او از پنجسالگی تحصیلات متداول فارسی را آغاز کرد ، ده ساله بود که پدرش او را بیازار فرستاد و در حجره حاج عبدالرزاق اسکوئی در سه‌دالان ملک بشاگردی مشغول شد ولی چون طفل با استعدادی بود پدرش بتوصیه دوستان خود او را از کار شاگردی بازار بازداشت و پس از چندی وی را بمدرسه قزاقخانه فرستاد .

سهیلی در مدرسه قزاقخانه با زبان روسی آشنا شد و خارج از محیط مدرسه بفرآگرفتن صرف و نحو عربی و ادبیات فارسی و زبان فرانسه

(۱) نام کوچک سهیلی از اول علی اصغر بود خود او کلمه اصغر را از دنبال نام خویش حذف کرد .

نیز همت گماشت و پس از دو سال مدرسه قزاقخانه را ترك گفت و وارد مدرسه علوم سیاسی شد و در سال ۱۲۹۳ ش دیپلم مدرسه علوم سیاسی را گرفت ، او در آن اندیشه بود که دانش پزشکی را بیاموزد ولی در اثر يك برخورد با میرزا هاشمخان بهنام مسؤول کارگزینی وزارت خارجه عضویت وزارت امور خارجه درآمد و در اداره محاکمات وزارت خارجه با سمت منشیگری مشغول بکار شد .

او در این شغل كوچك هوشمندی و استعداد خود را نشان داد و پس از يكسال منشی اول اداره تحریرات عثمانی شد . دو سال نیز در این مقام بود سپس باز پرس اداره محاکمات وزارت خارجه شد و با حفظ این سمت چندی برای مطالعات قضائی در اداره امور قضائی دادگستری کار کرد .

مأموریت مسكو و لندن

در سال ۱۳۰۱ ش تقی زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران که برای بستن قراردادهای بازرگانی با دولت شوروی به مسكو رفته بود نامه‌یی به قوام السلطنه نخست وزیر نوشت و تقاضا کرد يك منشی مطلع برای هیئت به مسكو اعزام دارد ، قوام السلطنه بمعرفی وزارت خارجه میرزا علی اصغر خان سهیلی را باین مأموریت فرستاد .

هوش و استعداد او طرف توجه هیئت واقع شد ، مشاور الممالك انصاری وزیر مختار ایران و تقی زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران از خدمت و کاردانی او اظهار رضایت کردند .

سپیلی از اینزمان با تقی‌زاده مربوط شد و به پیشنهاد او در سال ۱۳۰۲ عضویت هیئت‌نماینده‌ی فوق‌العاده‌ی ایران در لندن انتخاب‌گردید و همراه تقی‌زاده رهسپار انگلستان شد و چند ماه در این مأموریت بود و در همین مسافرت با لژهای ماسونی آشنا شد .

پس از بازگشت بمعاونت دوم اداره‌ی سیاسی وزارت خارجه منصوب گردید و بعد از چندی عضویت هیئتی که برای تحویل‌گرفتن شیلات تعیین شده بودند برگزیده شد و باتفاق مصطفی‌قلی بیات (صمصام‌الملک اراکی) رئیس هیئت به بندرپهلوی رفت و پس از تحویل‌گرفتن شیلات به عضویت هیئت مدیره شیلات منصوب شد .

در سال ۱۳۰۶ در وزارت خارجه رئیس اداره شوروی شد ، او در مدتی که در بندرپهلوی خدمت میکرد بتکمیل زبان روسی پرداخت و يك زن روسی را بهمسری اختیار کرد و با این ازدواج که دومین ازدواج او بود ، زبان روسی وی خیلی پیشرفت نمود و بواسطه‌ی زبان‌دانی کار او در اداره شوروی بخوبی پیش میرفت و راه ترقی بیشتر برای او هموار می‌شد. در سال ۱۳۱۰ بمعاونت وزارت راه منصوب‌گردید ولی خدمت او در وزارت راه طولانی نبود و پس از چندی بریاست هیئت مدیره شرکت شیلات برگزیده شد .

در سال ۱۳۱۳ بوزارت خارجه برگشت و بمعاونت وزارت خارجه انتخاب‌گردید و تا سال ۱۳۱۶ در این مقام بود و در این سال به وزیرمختاری ایران در لندن مأمور شد .

در زمان مأموریت او در لندن مناسبات سیاسی ایران و انگلیس خوب و روشن بود، اما یکی از روزنامه‌های متوسط چاپ لندن مقاله انتقادی درباره ایران نوشت که انعکاس آن در ایران خوب نبود، سهیلی برای جبران اینکار به ایدن متوسل شد و مدیر روزنامه بتوصیه ایدن بسفارت ایران رفت و عذرخواهی کرد، سهیلی تفصیل این خدمت را با آب و تاب بوزارت خارجه ایران گزارش داد.

وزارت خارجه

سهیلی در آغاز سال ۱۳۱۷ به طهران احضار شد و در خرداد ۱۳۱۷ بجای عنایت‌الله سمیعی بوزارت خارجه منصوب گردید ولی پس از دو ماه مظفر اعلم وزیر خارجه شد و سهیلی خانه نشین گردید. شایع بود تلگراف تهنیت و تشکری از طرف او و حکمت وزیر فرهنگ به وزیر فرهنگ فرانسه مخابره شده، در حالیکه در آن اوقات چند روزنامه از روزنامه‌های فرانسه متوالیاً مطالب انتقادی و مغرضانه درباره ایران می نوشتند، سیاست پیشگان روز آن تلگراف نابجارا باعث خانه نشینی سهیلی و برکناری حکمت میدانستند.

استانداری و سفارت

سهیلی در آغاز سال ۱۳۱۸ به استانداری کرمان برگزیده شد، در کرمان رفتارش با مردم خیلی ملایم بود و چنان استانداری بود که حاجب و دربان نداشت و مردم بیواسطه نزد او میرفتند و مطالب خود را می گفتند.

سهیلی هشت ماه در کرمان بود سپس سفارت ایران در کابل منصوب گردید، در این مأموریت درگسترش و استواری مناسبات دو کشور کوشش‌هایی کرد و در سال ۱۳۱۹ به طهران بازگشت و در کابینه علی منصور بوزارت کشور برگزیده شد و انتخابات دوره سیزدهم با نظارت او در سراسر کشور انجام گردید.

در اوج ترقی

پس از رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ و ورود نیروی مسلح روس و انگلیس به ایران و استعفای دولت منصورالملک، سهیلی در کابینه فروغی بوزارت خارجه انتخاب گردید.

موقع بسیار حساس بود، ایران با همه کوششی که در پاس بیطرفی خود بکار می‌بست از همه سو مورد یورش سیاه بیگانه و انع شد و نیروی روس و انگلیس از شمال و جنوب و شرق و غرب بسوی مرکز ایران در حال پیشروی بودند.

سهیلی در همان روز اول و دوم وزارت با سرریدر بولاردو اسمیرنوف سفیران دو دولت ملاقات‌ها و گفتگوهای طولانی کرد و چون زبان انگلیسی و روسی را بخوبی میدانست بسیاری از مطالب محرمانه را به آسانی خود با دو سفیر در میان گذاشت و با سرعت و سهولت به نقطه توافق رسیدند.

پیشنهاد ترك مقاومت نیروی ایران در آغاز بوسیله سهیلی تهیه شد

و پس از تصویب اعلیحضرت رضاشاه کبیر و دولت ، سهیلی روز ششم شهریور
تصمیم ترك پایداری را بدو سفارت روس و انگلیس و دیگر نمایندگان
سیاسی مقیم طهران نوشت .

متن نامه سهیلی به سرریدر بولاردو اسمیرنوف

«خاطر آن جناب مستحضر است که دولت شاهنشاهی ایران بارعایت
سیاست بیطرفانه پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه خود را بویژه
با دولت های همسایه خود محفوظ بدارد ، در این موقع هم که نیروهای
جنگی اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس وارد خاک ایران گردیده اند دولت
ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات همجواری مبادرت
بجنگ نموده است با اینحال قوای آن دولت اقدام بعملیات جنگی و
بمباران شهرها نموده و نیروی پادگان ایران در شهرستان ها هم طبعاً در
مقابل حملاتی که بآنها شده است ناگزیر از خود دفاع و مقاومت نموده اند.
اینک باستحضار خاطر عالی میرساند که دولت شاهنشاهی ایران
برای اثبات نیت صلخواهانه خود دستور داد نیروی دولتی بکلی ترك مقاومت
نموده و از هر گونه اقدامی خودداری نمایند .

انتظار دارد قوای آن دولت هم حرکت خود را متوقف سازند و
عملیات جنگی را متروک دارند . این تصمیم بااطلاع نمایندگان دول
دیگر هم رسیده است . وزیر خارجه ایران . علی سهیلی .
دو سفارت که هرگز نمی پنداشتند کار تجاوز نیروی دولتهای متبوع

آنان به ایران باین سادگی تمام شود نسبت به سهیلی نظر مساعد و احساسات دوستانه پیدا کردند با اینحال نیروی شوروی تا چند روز پس از ترك مقاومت از بمباران شهرهای شمال ایران خودداری نمیکرد و از همدان آغاز در آذربایجان يك اقلیت آشوب طلب با پشتیبانی روس ها با آشوب و غارت دست زدند و نغمه تجزیه طلبی آغاز کردند .

پیمان سه جانبه که در آغاز از طرف سفیر انگلیس پیشنهاد شد و در یوگرافی فروغی از چگونگی آن بتفصیل سخن رانیدیم با کوشش سهیلی بسته شد و این از خدمات او بود .

موافقت با بیرون راندن آلمانی ها و ایتالیائی ها و برچیدن سفارت آلمان و ایتالیا و مجارستان و رومانی و بلغارستان و تسلیم جمعی از اتباع آن دولت ها به متفقین بتقاضای بولاردو اسمیرنوف و بدستور سهیلی انجام شد .

اتل وزیر مختار آلمان در یکی از برخوردهای خود با تندی به سهیلی گفت : ما سه ماه پیش می خواستیم از ایران خارج شویم ولی وزارت خارجه ایران بیطرفی ایران را برخ ما کشید و ما را مطمئن کرد . سهیلی در مدت تصدی وزارت خارجه هم در مجلس وهم در عرصه سیاست خارجی زمینه مساعدی برای زمامداری خود فراهم آورد . او شخصاً معتقد بود که باید دولت فروغی تا پایان جنگ بر سر کار بماند ولی پس از آنکه دولت فروغی متزلزل شد و خود فروغی حاضر بادامه خدمت نگردید سهیلی بکوشش برخاست و با آنکه بیشتر تزلزل دولت فروغی در

مجلس در اثر تحریکات طرفداران قوام السلطنه بود ، پس از استعفاء فروغی با زمینه‌هایی که فراهم شده بود مجلس بزماداری سهیلی ابراز تمایل نمود (۱۶ - اسفند) و او در بیستم اسفند دولت خود را بمجلس معرفی کرد . (۱)

سهیلی يك برنامه ده ماده‌یی برای کابینه خود بمجلس عرضه کرد که ماده چهارم آن تعهد به اهتمام در تأمین خواربار لازم برای کشور بود . ولی چنانکه باید بانجام این تعهد موفق نگردید .

سهیلی ضمن نطق خود در مجلس اطاعت خود را از مجلسیان با این عبارات عنوان کرد : بنده و همکاران بنده همیشه حاضریم با جان و دل فرمایشات آقایان را چه در مجلس چه در خارج چه در وزارت‌خانه‌ها بشنویم .

و راستی سهیلی همین کار را کرد زیرا بیشتر اوقات او صرف دیدار و انجام خواستهای نمایندگان پارلمان بود ، در آن اوقات چون مجلس قدرت و حاکمیت سیاسی داشت ، سهیلی برای ثبات دولت خود ناگزیر از جلب موافقت نمایندگانی بود که یا برای خود و بستگانشان یا برای

۱ - نخست وزیر و وزیر کشور علی سهیلی - وزیر دادگستری مجید آهی - وزیر بهداری علی اصغر حکمت - وزیر دارائی محمود بدر - وزیر جنگ سرلشکر جهانبانی - وزیر فرهنگ مصطفی عدل - وزیر راه یدالله عضدی - وزیر بازرگانی و پیشه‌و هنر عبدالحسین هژیر - وزیر کشاورزی احمد حسین عدل - وزیر پست و تلگراف فضل‌الله بهرامی .

احتیاجات عمومی مردم حوزه‌های وکالت خود مراجعات پیاپی داشتند.

بازداشت ایرانیان

چنانکه در بیوگرافی ساعدگفتیم متفقین در زمان زمامداری قوام بوسیله سرریدر بولارد بازداشت گروهی از سرشناسان و افسران ایران را خواستار شدند قوام نپذیرفت ولی سهیلی وساعد در برابر این درخواست پایداری نکردند بلکه نام گروهی را هم خودشان بر لیست سیاه افزودند و بعضی از شخصیت‌هایی که ممکن بود رقیب سیاسی دولت باشند یا در انتخابات نفوذشان جلوگیری نظریات دولتیان باشد به اسارت و بازداشت درآمدند.

دکتر متین دفتری جمعیت و طرفدارانی داشت که برای زمامداری او کوشش میکردند، ساعد وزیر خارجه خود را در آن جمع وارد کرد، تمام افراد و هدف جمعیت را شناخت و به سهیلی گفت و نام متین دفتری در لیست سیاه رفت و توقیف شد. چون او در جوانی چند سال پیش از آغاز جنگ اول مدتی منشی سفارت آلمان بود همین نکته را بهانه گرفتاری او قراردادند.

سید ابوالقاسم کاشانی اگر در طهران می‌ماند در انتخابات نقش مؤثری داشت، او بهمین مناسبت توقیف شد، دستاویز توقیف وی شرکت او و پدرش در جهاد بر ضد انگلیسی‌ها در جنگ اول جهانی در بین - النهرین بود و گرنه دلیلی بر رابطه او با آلمان ارائه نشد.

نفوذ سید در توده بازاری طهران چندان بود که در حال توقیف هم در انتخابات دوره چهاردهم آراء بسیار آورد و نماینده چهارم طهران گردید ولی هنگام اعلان نام بردگان انتخابات طهران بدستور دولت نام کاشانی که اتهام سیاسی داشت حذف گردید .

بازداشت شدگان در دونوبت (اسفند ۱۳۲۱ و شهریور ۱۳۲۲) بازداشت شدند، جمعی از آنان مستقیماً توسط خود متفقین و برخی بوسیله مقامات انتظامی دستگیر و تحویل مقامات متفقین شدند و روی هم نزدیک دویست و چهل نفر بودند ، برخی از آنان تبعید و بعضی در بازداشتگاههای متفقین در اراک و رشت یا در امیرآباد و بیمارستان پانصد تختخوابی (محل کنونی ژاندارمری) معدودی هم در بازداشتگاه شهر بانی بسر می بردند معاریف بازداشت شدگان و تبعید شدگان این اشخاص بودند .

آیت الله کاشانی . دکتر متین دفتری - مهندس شریف امامی - دکتر سجادی - موسوی زاده - سرلشکر آق اولی - سرلشکر پورزند - سرهنگ اخگر، نوبخت - سرتیپ کوپال - جواد بوشهری - سرهنگ ولی انصاری - سرهنگ فروهر - شهاب السلطنه بختیاری - خسرو اقبال - عبدالوهاب اقبال . سرلشکر زاهدی فرمانده تیپ اصفهان مستقیماً بوسیله فیتس ماکلین افسر اینتلیجنس سرویس دستگیر گردید و به فلسطین تبعید شد .

دولت سهیلی در اجرای قرارداد سه جانبه بیش از آنچه تعهد شده بود بعهده گرفت و ازینرو بامضیقه اقتصادی و تورم پولی و کمبود خواربار عمومی روبرو شد و مردم گرفتار قحطی و مرگ سیاه گردیدند . و این برای

آن بود که در خرید ارزاق و آذوقه متفقین کنترلی در میان نبود و خرید روزافزون آنان که بوسیله دلالتان ایرانی در شهرها و روستاها انجام می شد کار عرضه را بر تقاضای داخلی دشوار می ساخت و مردم را با سختی و قحطی روبرو می نمود، نیروی روس ها نیز مانع آن بودند که از مناطق عثمانی ایران غله و برنج به طهران یا شهرهای دیگر حمل شود، بیشتر مالکان نیز گندم خود را احتکار کرده بودند زیرا اداره تثبیت غله برای هریک تن گندم یک هزار و یکصد ریال نرخ گذاری کرده بود در حالیکه گندم در بازار آزاد چندین برابر نرخ دولتی خرید و فروش می شد و بیشتر مالکان برای سودجویی گندم را در انبارهای خود انباشته بودند و از فقر و گرسنگی مردم دل آزرده نمی شدند .

در چنین شرایطی دولت ناچار به خرید یک هزار و پانصد تن غله از کشورهای خارج شد ولی جوابگوی مردم قحطی زده نمی گردید و در طهران اداره سیلو نانی پراز سبوس و خاک بمردم میداد و شهرداری در چهارراهها دم پختک شن آلود توزیع میکرد .

دولت سهیلی تا نیمه مرداد ۱۳۲۱ روی کار بود، در مرداد مجلس به قوام السلطنه رأی تمایل داد و سهیلی کنار رفت ولی بر ضد دولت قوام آتاریک میکرد، پس از درمانده شدن قوام و استعفای او در ۲۸ بهمن ۱۳۲۱ باردیگر سهیلی بزمامداری رسید (۱) .

۱ - نخست وزیر و وزیر کشور سهیلی - وزیر مشاور سید محمد تدین (بعداً بقیه پاورقی در صفحه بعد

دولت سهیلی تا پایان اسفند ۱۳۲۲ دوام داشت و پس از افتتاح مجلس چهاردهم مستعفی شد، ازکارهای او در این دوره (بجز تسلیم جمعی از سرشناسان ایران به متفقین و کوشش در ایجاد حسن تفاهم بیشتر با روس و انگلیس و امریکا) اعلان جنگ بدولت آلمان بود و این اعلان جنگ درحقیقت اعلان حالت جنگ بود، نه جنگ واقعی.

سهیلی چهار ماه آخر دوران زمامداریش را بدون مجلس و آسوده از استیضاحهای پیاپی حکومت کرد، او و تدین وزیرکشور ازاعمال نفوذ درانتخابات دوره ۱۴ خودداری نکردند و تحمیلات سیاست خارجی را در انتخابات نیز پذیرفتند و ازینرو در شمال و در جنوب تعدادی از وابستگان سیاسی روس و انگلیس به مجلس راه یافتند.

انتخاب شدن هشت نفر نمایندگان گمنام و اخلاکگر حزب توده ثمر همان تحمیلات بیگانگان بود که برای ایران دشواریهایی فراهم آورد.

تردیدی نیست که دوره زمامداری سهیلی دوران غیر عادی و

بقیه پاورقی از صفحه قبل

وزیرکشور شد) وزیر مشاور حسین سمعی - وزیربهداری امان الله اردلان - وزیردادگستری علی اصغر حکمت - وزیربازرگانی وپیشه و هنرمحمود بدر - وزیر امور خارجه ساعد - وزیر فرهنگ دکترعلی اکبر سیاسی - وزیر پست و تلگراف نصرالله انتظام - وزیر دارائی اللهیار صالح (بعداً مرتضی قلی بیات وزیر دارائی شد) و برخی از وزیران نیز تغییر سمت دادند .

دشواری بود و هرکس دیگر هم نخست‌وزیر بود در برابر متفقین که ایران را در اشغال نظامی خود داشتند مجبور از گذشت‌هایی می‌شد ولی در این هم تردید نیست که سهیلی و ساعد در برابر سیاست‌های زورمند خارجی نیروی پایداریشان ضعیف بود با این حال اگر به تلگراف رمز کردل‌هال وزیر خارجه آمریکا که طی شماره ۱۷۸۴ - ۷۹۱ سوم اکتبر ۱۹۴۱ به سفیر آمریکا در انگلیس مخابره شده توجه نمائیم که گفته است «روس در مناطق اشغالی خود در ایران داخل در دسائس سیاسی شده و به تبلیغات کمونیستی پرداخته و علناً نسبت به آرامنه و عناصر تجزیه طلب روی موافق نشان داده‌اند ... سفیر کبیر روس بدولت ایران پیشنهاد کرد که انتخابات مخصوصی باید بعمل آید ...» (۱) می‌توانیم تا حدی عذر سهیلی را بپذیریم .

مجلس چهاردهم در ششم اسفند ۱۳۲۲ گشوده شد و در ۲۱ - اسفند رسمیت یافت ، سهیلی با همه سازشی که با وکلا کرده بود قیافه مجلس را نسبت بحود مساعد ندید و همینکه پس از رسمیت مجلس او مطابق معمول استعفا کرد مجلس دیگر بزمامداری او رأی نداد و پس از سهیلی ساعد وزیر خارجه کابینه او زمامدار شد .

اعلام جرم

در مجلس چهاردهم نسبت بسهیلی و تدین وزیر کشور کابینه او اعلام جرم شد و چندین نفر از مجلسیان با خصومتی شدید برای کوبیدن سهیلی

۱- ص ۲۰۳ ج ۴ سالنامه دنیا .

متحد شدند .

سهیلی برای بی‌اثر کردن اعلام جرم باز ب فکر زمامداری افتاد و بدسیسه و دسته‌بندی باوکلا پرداخت، تا ساعد زمامدار بود چندان نگرانی نداشت ولی با سقوط دولت ساعد و زمامداری سهام السلطان بر نگرانش افزود زیرا سهام السلطان در مجلس از طرف نمایندگان که باعث سقوط دولت سهیلی شده بودند تأیید می‌شد .

کوشش سهیلی برای تزلزل دولت بیات بنفع او تمام نشد بلکه در مجلس و در مطبوعات مورد حملات سخت قرار گرفت ، او پس از مأیوس شدن از زمامداری در دیماه ۱۳۲۴ از طرف دولت حکیمی نمایندگی ایران در سازمان ملل منصوب شد . و بی‌آنکه خبر انتصابش را بدهند رهسپار لندن گردید و پیش از رهسپاری با قوام السلطنه که شانس زمامداریش قوی بود ملاقات و رفع کدورت نمود .

میگفتند تقی‌زاده که سفیر ایران در لندن و رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل بود این سمت را برای سهیلی پیشنهاد کرده‌است ، بتلافی آنکه سهیلی در آبان ۱۳۲۰ که وزیر خارجه بود زمینه انتصاب تقی‌زاده را بسفارت ایران در لندن فراهم آورد .

وقتی انتصاب سهیلی آشکار شد مخالفان او در مجلس و در مطبوعات شدیداً از دولت انتقاد کردند و پرونده اتهامی وی را که کمیون دادگستری مجلس قابل تعقیب تشخیص داده بود بدیوان کشور فرستادند ، سهیلی ناچار در نیمه سال ۱۳۲۵ شخصاً به طهران بازگشت تا برای رفع اتهام از

خود چاره‌یی کند .

وقتی سهیلی بدطهران آمد مخالفانش او را بتحريك برضد دولت قوام متهم کردند وزمینه‌یی فراهم آوردند که ذهن قوام را مشوب کنند و سهیلی را به استناد ماده پنج قانون حکومت نظامی بزندان بیفکنند . سهیلی که از توطئه مخالفان آگاه شد نامه‌یی به قوام السلطنه نوشت و خود را از اتهام تحريك برضد دولت بری داشت ، این نامه نظر مساعدت قوام السلطنه را بد سهیلی جلب کرد ، اینک عین نامه سهیلی : (۱)

۱- خصوصی و محرمانه است دهم مهرماه ۱۳۲۵ - جناب اشرف آقای نخست‌وزیر محترماً معروض میدارد در شماره امروز روزنامه زندگی در صفحه اول چند سطرى نوشته شده مبنی بر اینکه : « بقرار اطلاعی که بدست آورده‌ایم آقای سهیلی پس از بازگشت از مسافرت مشغول اقدامات و دسیسه‌ای بر علیه دولت شده و ما متحیریم که چرا تاکنون طبق ماده پنج قانون حکومت نظامی ایشان را توقیف نکرده‌اند » .

خاطر مبارك مسبوق است که بنده قصد نداشتم فعلاً به ایران برگردم اگر جناب اشرف عالی به عیال بنده و بعضی از دوستانم اطمینان نداده بودید با کسالت مزاجی و روحی ترجیح میدادم بازچندی در اروپا بمانم بنا بدستور و اطمینان جناب اشرف عالی طهران آمدم حضوراً تقاضا کردم ترتیبی بفرمایند از این گرفتاری خلاص و زودتر برگردم ، میدانستم هر چه در طهران بمانم معاندین و دشمنان من دست از من برنداشته و در مقام کارشکنی برخوانند آمد .

وقتی ملاحظه کردند بعد از ورود به ایران بازداشت نشدم نفهء جدیدی ساز کرده و مرا مخالف دولت و دسیسه کار جلوه میدهند و قصدشان این است خاطر مبارك را از من بدگمان سازند . من نمیدانم چه دسیسه‌یی کرده‌ام و باکی بقیه پاورقی در صفحه بعد

بقیه پاورقی از صفحه ۱۷

ملاقات نموده‌ام؟ در تمام این مدت جز با وکلای خودم و چند نفری که تصور میکردم با مشورت آنها بتوانم چاره‌یی برای کار خود بیندیشم از معاشرت و ملاقات با اشخاص متفرقه با سوابق و تجربیاتی که به احوال مردم این زمان دارم پرهیز نموده‌ام، در تمام ملاقاتهای محدود خود از بحث در مذاکرات سیاسی و جریانات روز خودداری نموده‌ام بلکه اگر صحبتی بمیان آمده روی عقیده و ایمان ثابت خودم اظهار داشته‌ام؛ باید از جناب اشرف آقای نخست وزیر پشتیبانی شود.

خدا گواه است این مطلب را نه برای خوش آیند بیان کرده‌ام بلکه عقیده‌ام این بوده هست و معتقدم اگر این گرفتاریها با مال اندیشی و حسن سیاست و تدبیر حضرت اشرف عالی حل نشود راه دیگری برای حل آن نیست.

بهر صورت چون دشمنان دست از من برنمی‌دارند و از لطف جناب اشرف عالی نسبت بمن رنج می‌برند حال با این نغمه جدید می‌خواهند ذهن حضرت اشرف عالی را مشوب سازند، بنده عقیده و ایمانم نسبت بحضرت اشرف عالی همان است که قبل از حرکت به اروپا بوده نه تغییر کرده و نه سست شده است، بهر حال اگر تصور میفرمائید کار من بنحو مطلوب و بزودی حل شدنی نیست برای رفع این گفتگوها اجازه فرمائید از ایران خارج شوم و محبت جناب اشرف عالی را برای خود ذخیره داشته باشم.

در خاتمه این نکته را هم بعرض رسانده استنداء دارم توجه بفرمائید، اگر گزارش و مطلبی از بنده حضور محترم عرض کردند شخصاً بخود بنده مراجعه فرمائید و اطمینان داشته باشید از اظهار حقیقت منحرف نخواهم شد. ایام شوکت مستدام باد - ارادتمند - سهیلی.

محمد رضا خان

دوم بهار ۱۳۲۵

عقاب برف آفتاب گشت دراز

مژگان بر سر سواد در آرد در روز دراز آفتاب در صندل در آرد
من بر آید

« مبدل طهر و برکت کسبم » و سرخ بر بند آفتاب در آرد
دیده ای برید برکتش و با من که بود آفتاب در آرد
بنا بر آفتاب در آرد

عقاب برف آفتاب گشت دراز
دیده ای برید برکتش و با من که بود آفتاب در آرد
بنا بر آفتاب در آرد
دیده ای برید برکتش و با من که بود آفتاب در آرد
بنا بر آفتاب در آرد
دیده ای برید برکتش و با من که بود آفتاب در آرد
بنا بر آفتاب در آرد
دیده ای برید برکتش و با من که بود آفتاب در آرد
بنا بر آفتاب در آرد

نامه سهیلی به قوام السلطنه

سهیلی پس از چند ماه اقامت در طهران ورا یزنی در اطراف پرونده اتهامی خود با مشورت جواد عامری و جلال عبده چنان مصلحت دید که محاکمه اش برای فرصت مناسب تری بتأخیر بیفتد تا محیط مساعد و مطمئنی در دادگستری برای او بوجود آید ، از طرفی خاتمه دادن پرونده اتهامی برای او ضرورت حیاتی داشت زیرا گرفتن يك شغل سیاسی در گرو ختم پرونده اتهامی و برائت از اتهاماتی بود که به او نسبت داده و با جنجال و تبلیغات آن اتهامات را بسیار بزرگ جلوه داده بودند .

در اواخر سال ۱۳۲۶ در زمان زمامداری حکیم الملک محیط مساعد برای سهیلی ایجاد شد، او به طهران آمد و سرانجام در ۲۷ بهمن ۱۳۲۶ محاکمه او در دیوان کشور زیر نظر محمدشفیع جهانشاهی رئیس دیوان کشور آغاز شد .

موارد اتهام سهیلی از قرار زیر بود .

۱- خرید قسمتی از اشیاء و ابزار و مصالح ساختمانی وزارت خارجه بدون رعایت مقررات .

۲- دخالت در انتخابات بندرعباس و شیرضا .

۳- اعمال نفوذ و مداخله در انتخابات آذربایجان .

۴- توقیف روزنامه ها .

۵- تفسیر قانون حکومت نظامی .

۶- قیام علیه حکومت ملی .

در اعلام جرم علیه سهیلی خصومت و کینه توزی بکار رفته بود و اتهامات منتسب به سهیلی در چند مورد جرم شناخته نمیشد و دلائلی که اقامه شده بود بسیار ضعیف بود ولی در مورد دخالت در انتخابات، اتهامات سهیلی دلائل قابل توجهی داشت که میتواند مستند بپیگرد او قرار گیرد لیکن بطور کلی نظریه دادستان در مساعدت و برائت او بود بهمین مناسبت میرزا علی آقا هیئت دادستان کل که کیفر خواست صادر کرده و مدعی قانونی سهیلی بود در آغاز محاکمه مانند یک وکیل مدافع بنفع سهیلی صحبت کرد و گفت: دستورهای آقای سهیلی در امر انتخابات آذربایجان دو جنبه داشته یکی مثبت و دیگری منفی، آقای سهیلی در دستور مثبت خود که اظهار تمایل بدو نفر نمودند میتوانند بگویند نظر شخصی بوده ولی در دستور منفی خود که مخصوصاً نسبت بدکتر قاسم اهری سلب حق یک نفر را از انتخاب شدن نموده اند اگرچه این امر مبنی بر نظریات شخصی نبوده و از لحاظ سیاست وقت بوده است ولی نمیتوان قضایای سیاسی را قانوناً از لحاظ اصول قضائی یک عذر موجه دانست، انتخاب شدن یک حق عمومی است و هر کس واجد شرائط آن باشد این حق در قانون اساسی برای او منظور شده است، سلب این حق بدون مجوز قانونی قانوناً جرم شناخته شده و مرتکب مطابق مواد ۸۳ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب میباشد.

سهیلی از دادستان کل بمناسبت بیان اینکه « مداخله در امر انتخابات امر ناشی از نظریات شخصی نبوده و بلکه ناشی از سیاست است » تشکر کرد.

وکلای مدافع سهیلی دکرهدایتی وجدلی نیز از هیئت سپاسگزاری نمودند که کار آنها را در دفاع از موکلشان آسان کرد.

دستور منفی سهیلی درباره انتخابات اهرتلکرافی باین شرح بود: «آقای عضدی فرماندار - اگر آقای اهری که با قرارداد متفقین مخالفت کرده زمینه دارد انتخابات را شروع نکنید - سهیلی.»

سرانجام پس از برگزاری دادرسی که بیشتر جنبه تشریفاتی داشت رأی به برائت سهیلی از تمام اتهامات صادر شد.

متن رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور:

درمورد خرید اشیاء ساختمانی وزارت خارجه (۱) که باستناد ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی از لحاظ عدم رعایت مقررات ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی (راجع بمزایده نسبت بفروش اموال دولتی) تصرف

۱ - ابزار و مصالح ساختمانی وزارت خارجه مقداری لولا و دستگیره بود که روی هم بیست و هفت هزار ریال ارزش داشت، و اینها را سهیلی به پیشنهاد همسر روسی خود برای ساختمان خود واقع در باغ فردوس از کارپردازی وزارت خارجه گرفت و دستور داد بهای آن ابزار را به اقساط از حقوقش کسر کنند ولی حسابداری و کارپردازی چیزی از حقوق سهیلی کسر نکردند.

بعد که روی این موضوع در مجلس اعلام جرم شد شهرت یافت که باراهنمایی محمدعلی هدایتی و احمد جدلی دو وکیل مدافع سهیلی کارپردازی و حسابداری وزارت خارجه بتاریخ مقدم سند فروش صادر کردند و بهای آن ابزار را بحساب وزارت خارجه دریافت نمودند و پرونده به اینصورت بمجلس و دیوان کشور رفت از اینرو نسبت به ابزار مزبور تنها بمناسبت دعایت نشدن مقررات فروش و مراسم مزایده بداد گستری اعلام جرم شد، لیکن سهیلی در این باره قصد سوء استفاده نداشت بلکه تنها مرتکب يك سهل انگاری شد.

غیرقانونی تشخیص شده چون اساساً ماده ۱۵۲ قانون مزبور ناظر بمواردی است که امانت داران و مأمورین وظیفه دار که اشیاء منقوله برحسب وظیفه سپرده بآنها است در اشیاء سپرده شده بآنها تصرف غیرقانونی نمایند و موارد مزبوره شامل این مورد که خریدار هیچیک از عناوین مذکور در ماده ۱۵۲ را نداشته و فقط اشیائی بارزش بیست و هفت هزار و پانصد و کسری ریال طبق نظر کارشناسان رسمی وزارت دادگستری خریداری نموده است و با توجه بذیل ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی اصل معامله را نیز نمیتوان مخالف قانون دانست و بالنتیجه عمل انتسابی تصرف غیرقانونی در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی نمیشد.

راجع بمواد مذکور در فقرات ۲ و ۳ و ۴ کیفر خواست که عبارت است از مداخله و اعمال نفوذ در انتخابات بندرعباس و شهرضا و توقیف روزنامه‌ها، قطع نظر از اینکه بعضی از اتهامات مزبور بکیفیتی که مورد دعوی واقع شده مقرون بتمام شرائط و عناصر تشکیل دهنده موضوعات مواد استنادی نیست و با توجه بمدافعاتی که از طرف متهم و وکلای مدافع بعمل آمده دلائل موجود، برای ثبوت اعمال انتسابی از روی سوء نیت کافی نبوده و معلوم نیست که اقدامات متهم سبب انتخاب یا عدم انتخاب اشخاص معین شده باشد راجع بمورد مذکور در صفحه پنجم کیفر خواست عمومی تقاضای تعیین مجازات تفسیر قانون حکومت نظامی که باستناد ماده ۲۸۰ قانون مجازات متهم شده است عمل انتسابی این است که آقای سهیلی بر طبق تصویبنامه هیئت وزیران مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۲۲

باستناد ماده پنجم قانون حکومت نظامی مصوب ۲۸ سرطان ۱۳۲۹ اختیارات دولت را در امور راجع به امنیت و آسایش عمومی بوزارت جنگ محول نموده و ضمناً امور راجع بامنیت و آسایش عمومی را که میبایست مشمول مقررات حکومت نظامی گردد توضیح نموده چون ماده يك قانون حکومت نظامی به هیئت وزیران اجازه داده که امور مربوط بامنیت و آسایش عمومی را بوزارت جنگ محول نماید و لازمه اجراء مقررات ماده مزبور تشخیص موارد امنیت و آسایش عمومی از طرف هیئت وزیران است در این مورد خاص عمل آقای سهیلی را که طبق تشخیص هیئت وزیران بعمل آمده نمیتوان مشمول ماده ۲۸۰ قانون مجازات عمومی ومستوجب مجازات دانست .

راجع بمورد مذکور در فقره ۶ کیفرخواست (قیام برضد حکومت ملی بوسیله تهیه لائحه و تقدیم به مجلس شورای ملی بر محدودیت جرائد) چون بهر تقدیر تقدیم لائحه قانونی به مجلس شورای ملی مشمول عنوان قیام بر ضد حکومت ملی و مقررات کیفری دیگر نیست و این عمل را نیز نمیتوان مشمول هیچیک از عناوین جزائی دانست وبالجمله چون در نظر هیئت عمومی دیوان کشور قسمتی از اعمال انتسابی اساساً جرم تشخیص نمیشود و ارتکاب قسمتی هم از لحاظ کافی نبودن دلایل برای ثبوت بنحوی که مشمول مقررات کیفری باشد محرز نیست لذا آقای سهیلی را نسبت باتهامات در قسمت دخالت در انتخابات آذربایجان و شهرضا و بندرعباس باکثرت و نسبت به سایر قسمت ها باتفاق آراء مستحق مجازات

ندانسته و تبرئه می نماید .

شفیع جهانشاهی - علی حائری - لطفی - حسین نقوی - حبیب الله
آموزگار - محمود دره - احمد امامی - غلامرضا صفی نیا - عبدالرسول
پویان - دکتر جواد قاضی - مهدی اعتماد مقدم - محمد صدر - جمال -
الدین اخوی - محمود عرفان - احمد زنجانی - عماد میر مطهری -
محمد حسین شیرازی - عبدالکریم لواسانی - محمود هدایت - مرتضی
داذبان - سید مرتضی ویشگائی - غلامرضا گرگانی .

بعقیده اینجانبان آقای علی سهیلی در مورد انتخابات آذربایجان
(تبریز واهر) در حدود مواد ۸۳ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی با توجه
به ماده ۲ الحاقیه مجرم و مستوجب مجازات است . اسمعیل سامنی -
شهیدزاده داد رس

مفاد رأی هیئت عمومی دیوانعالی کشور که جنبه گذشت و ارفاق
در آن بخوبی مشهود بود باین نکته گواهی میداد که پیش از آغاز محاکمه
زمینه مساعد برای برائت سهیلی در دیوان کشور آماده بوده است .
پس از اعلام برائت سهیلی شادباش ها و دستد گلهای فراوان از طرف
دوستانش برای او فرستاده شد .

در لیست هیئت تصفیه

وقتی در شهریور ۱۳۲۹ لیست کارمندان مشمول بندهای الف و ب
و ج از طرف رزم آرا نخست وزیر منتشر شد نام سهیلی در ردیف مشمولان

بند جیم (کسانی که باید از خدمت دولت رانده شوند) قرار گرفته بود ولی تصمیمات هیئت تصفیه چنانکه در بیوگرافی‌های پیشین دیدیم در بعضی از موارد مغرضانه و مخدوش و در برخی موارد غیر قانونی و بیرون از حدود وظیفه هیئت تصفیه تشخیص داده شد و مجلس شورا بموقوف الاجرا ماندن آن رأی داد .

سفارت لندن

در بهمن ماه ۱۳۳۲ پس از تجدید روابط سیاسی ایران و انگلیس استیونس به سفارت کبرای دولت بریتانیا در ایران مأمور شد و سهیلی نیز از طرف دولت ایران بسفارت لندن منصوب گردید .

او در این مقام بگسترش روابط و فراهم کردن نیک اندیشی بین دو کشور کوشید و با ایدن وزیر خارجه و رؤسای کنسرسیوم و اولیای شرکت نفت ایران و انگلیس دیدارها و گفتگوهای ثمربخش برای رفع اختلاف و حل مشکل نفت انجام داد و مطالب مهم و فوری را بوسیله تلفن با سپهبد زاهدی نخست‌وزیر و عبدالله انتظام وزیر خارجه در میان می‌نهاد .

پایان کار

سهیلی از ۱۳۳۵ دچار کسالت شد و درمانهای پزشکی در بازگشت تندرستی او مؤثر نگردید و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۳۷ در لندن به بیماری سرطان درگذشت ، مرگ او در اثر یک جراحی اشتباهی تسریع شد .

جسدش بوسیله هوا پیمای نظامی دولت انگلیس به طهران آورده شد، وزیر دربار انگلیس و رئیس تشریفات وزارت خارجه انگلیس و سفیر نروژ که مقدم السفراء بود در سفارت ایران در لندن حاضر شدند و مرگ او را تسلیت گفتند.

دیلی تایمز نوشت « سپیلی از محبوبترین دیپلماتهای خارجی بود که بطور خستگی ناپذیر نیرو و مساعی خود را صرف تقویت روابط حسنه بین دولتمندان ایران و انگلیس می نمود .

جان راسل سفیر انگلیس در طهران نیز بوزارت خارجه حاضر شد و تسلیت گفت و پیام تسلیت سلوین لوید وزیر خارجه انگلیس را تسلیم داشت .

روز ۱۹ اردی بهشت تشییع جنازه رسمی با تشریفات لازم از طرف دولت انجام گردید .

ویژگیهای اخلاقی

سپیلی مردی بود خود ساخته با هوش و پرکار و دمکرات و متواضع و منظم ولی جاه طلب و دسیسه گر ، برای رسیدن بمقاصد جاه طلبانه خود تشبث بهر وسیله یی را جائز می شمرد ، او بدرخواست صاحبان نفوذ و نمایندگان مجلس و ارباب مطبوعات پاسخ رد نمیداد ولی چون همه درخواست ها را نمیتوانست برآورده کند به دروغگوئی شهرت یافته بود اما او بگمان خودش دادن وعده مساعد و ناشدنی را بهتر از جواب صریح مأیوس کننده میدانست .

بجز اتهام تصرف در اموال وزارت خارجه نسبت سوء استفاده باو

نداده‌اند، و از این حیث می‌توان به بی‌طمعی او حکم داد، بهترین دلیل بی‌طمعی او این بود که ثروت و اندوخته نداشت.

سهیلی تحصیل‌کرده بود بزبان فرانسه و روسی و انگلیسی چیرگی داشت. با آنکه آذربایجانی بود لهجه آذربایجانی نداشت ولی ترکی را بخوبی صحبت میکرد.

او شیک پوش بود بیشتر اوقات لباس رنگ تیره و مشکی می‌پوشید و کراوات سرمه‌یی یا آبی خال‌دار می‌بست، سرگرمی و تفریح او بازی پوکر و رami و تخته و مطالعه شعرهای حافظ بود، گاهی خودش چند بیت شعر میگفت ولی بشعر گفتن تظاهر نمی‌کرد، شعرش هم چنگی بدل نمی‌زد. معتقدات ملی و مذهبی را محترم میداشت و از جلفی و سبکسری دوری می‌جست.

همسر و فرزندان

سهیلی از تمام سرمایه مادی فقط دو خانه داشت یکی در باغ فردوس تجریش و دیگری در خیابان فیشرآباد، زمین خانه باغ فردوس هم از اراضی دولتی بود که در ۱۳۱۴ بین مأموران عالیرتبه دولت تقسیم شد و يك قطعه هزار متری هم به سهیلی رسید.

او دو همسر داشت يك همسر ایرانی و يك همسر روسی، همسر ایرانی‌اش در خانه فیشرآباد و همسر روسیش در خانه باغ فردوس زندگی میکردند، سهیلی زندگی همیشگی را با همسر روسی می‌گذرانید ولی از همسر ایرانی هم غفلت نداشت و اوقاتی که در طهران بود دو یا سه روز هفته را نزد همسر ایرانی خود بسر می‌برد، و از این دو همسر سه فرزند

ذکور داشت که وسیله تحصیلات عالی آنان را فراهم آورد .
همسر روسی سهیلی بر او چندان مسلط بود که گاهی این دیپلمات
کهنه کار را کتک میزد و از خانه بیرون میکرد .

آثار

از سهیلی آثاری بجای نمانده، یادداشتهایی درباره اوضاع سیاسی
ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا اسفند ۱۳۲۲ نوشته بود و نکات مهم و محرمانه
سیاسی را که خود در آن ها وارد بوده توضیح داده بود ولی پس از مرگ
وی سر نوشت آن یادداشتهای ارزنده معلوم نشد .

تیرماه ۱۳۴۸